

A Comparative Study of the Transformations of Women's Dress in Ancient Iran and China

Hamid Reza Motahari¹ and Seyyed Vahid Beheshti^{2✉}

1. Associate Professor, Research Institute for the History and Sira of the Ahl al-Bayt, Research Institute for Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran.

E-mail: h.motahari@isca.ac.ir

2. Corresponding Author, PhD Candidate in Islamic History, Department of Islamic History, University of Religions and Denominations, Qom, Iran.

E-mail: Beheshti.vahid66@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 16 April 2025

Received in revised form
30 June 2025

Accepted 8 July 2025

Available online

26 December 2025

Keywords:

Women's dress,
Ancient-Iranian
civilization,
Ancient China,
Silk Road,
Cultural comparison,
symbolism of clothing.

ABSTRACT

The form and manner of women's dress have consistently constituted one of the most significant cultural, social, and identity-related manifestations in ancient civilizations. Adopting a comparative approach, the present study examines and compares women's dress in two major ancient civilizations—pre-Islamic Iran and China (from antiquity to the modern era). The primary objective of this research is to identify the social, symbolic, and cultural functions of women's clothing in these two cultures and to analyze the similarities and differences in patterns of dress, particularly in relation to social stratification, gender roles, and prevailing value systems. This qualitative study is based on the analysis of historical data, written documents, archaeological evidence, visual representations, and classical texts drawn from both Iranian and Chinese sources. Accordingly, evidence from Achaemenid and Sasanian reliefs, Chinese artistic works from the Han, Tang, and Ming periods, as well as data related to cultural exchanges along the Silk Road, are examined. The preliminary findings indicate that in both civilizations, women's dress functioned not merely as a means of protection or adornment, but also as a symbol of social status, modesty, dignity, and adherence to the cultural and value structures of the time. Moreover, cultural interactions between Iran and China—particularly through the Silk Road—contributed to the reinforcement of certain shared values and patterns concerning women's dress and gendered behaviors. By offering a comparative analysis, this study contributes to a deeper understanding of the role of dress in the representation of feminine identity and the historical cultures of these two civilizations.

Cite this article: Motahari, H. R., & Beheshti, S. V. (2025). A Comparative Study of the Transformations of Women's Dress in Ancient Iran and China, *Discourse of History*. 19 (52), 20- 47. <https://doi.org/10.22034/SKH.2025.20979.1623>

<https://doi.org/10.22034/SKH.2025.20979.1623>



© The Author(s).

Publisher: Al-Mustafa International University.

بررسی تطبیقی تحولات پوشش زنان در ایران باستان و چین

حمید رضا مطهری^۱، و سید وحید بهشتی^۲✉

۱. دانشیار پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

رایانامه: h.motahari@isca.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری تخصصی تاریخ اسلام، گروه تاریخ اسلام، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.

رایانامه: Beheshti.vahid66@gmail.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۵

کلیدواژه‌ها:

پوشاک زنان،
تمدن ایران باستان،
چین باستان،
جاده ابریشم،
تطبیق فرهنگی،
نمادشناسی لباس.

نوع و نحوه پوشش زنان همواره یکی از جلوه‌های مهم فرهنگی، اجتماعی و هویتی در تمدن‌های کهن به شمار می‌رفته است. پژوهش حاضر با رویکرد تطبیقی، به بررسی و مقایسه پوشش زنان در دو تمدن بزرگ و باستانی یعنی ایران پیش از اسلام و چین (از دوران باستان تا عصر معاصر) می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، شناسایی کارکردهای اجتماعی، نمادین و فرهنگی پوشاک زنان در این دو فرهنگ و تحلیل شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در زمینه پوشش، به ویژه در ارتباط با طبقات اجتماعی، نقش‌های جنسیتی، و نظام‌های ارزشی حاکم است. روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل داده‌های تاریخی، اسناد مکتوب، آثار باستانی، نقوش تصویری، و متون کلاسیک از جمله منابع ایرانی و چینی است. در این راستا، شواهدی از نقش برجسته‌های دوران هخامنشی، ساسانی، آثار هنری چین از دوران هان، تانگ، و مینگ و همچنین داده‌های مرتبط با مبادلات فرهنگی در امتداد جاده ابریشم، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج اولیه نشان می‌دهد که در هر دو تمدن، پوشش زنان نه تنها ابزاری برای حفاظت یا زیبایی بوده، بلکه نمادی از منزلت اجتماعی، حیا، وقار و پایبندی به ساختارهای ارزشی و فرهنگی زمانه محسوب می‌شده است. افزون بر این، تبادلات فرهنگی میان ایران و چین، به ویژه از طریق جاده ابریشم، سبب تقویت برخی ارزش‌ها و الگوهای مشترک در زمینه پوشش و رفتارهای جنسیتی زنان گردیده است. این پژوهش با ارائه تحلیلی تطبیقی، به درک عمیق‌تری از جایگاه پوشش در بازنمایی هویت زنانه و فرهنگ تاریخی این دو تمدن کمک می‌کند.

استناد: مطهری، حمید رضا؛ بهشتی، سید وحید (۱۴۰۴). بررسی تطبیقی تحولات پوشش زنان در ایران باستان و چین. سخن تاریخ،

۱۹ (۵۲)، ۲۰-۴۷. <https://doi.org/10.22034/SKH.2025.20979.1623>

© نویسنندگان.

ناشر: جامعه المصطفی (ص) العالمیه.



مقدمه

پوشش زن در جامعه‌های مختلف و در طول تاریخ از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. این مهم در عصر حاضر به ویژه پس از انقلاب صنعتی اروپا و گسترش تفکر فمینیستی و به عنوان یک چالش جدی مطرح شده است. نگاهی به پوشش زن در جوامع مختلف می‌تواند بیانگر وضعیت و منزلت او در جامعه و نیز پاسخگوی برخی مشکلات یا پرسش‌های امروز باشد. نوشتار پیش رو پوشش زن در دو جامعه ایران و چین را بررسی کرده و به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که پوشش زن در این دو منطقه چگونه بوده است؟ برای تبیین این مهم، وضعیت پوشش ایران و چین را از طریق آثار برجای مانده از آن دوره‌ها مانند سنگ نوشته‌ها، کتیبه‌ها، ظروف و دیوارنگاره‌ها بررسی می‌کند.

توجه به این نکته لازم است که این تحقیق به نقش گزاره دین در وضعیت پوشش نپرداخته است. بنابراین محدوده زمانی بحث درباره ایران تا پیش از ورود اسلام بوده و در مورد چین به دلیل عدم تشکیل حکومت اسلامی، از چین باستان تا آخرین امپراطوری چین و عصر جدید می‌باشد.

پیشینه تحقیق

اگرچه درباره پوشش زنان در ادوار و مناطق مختلف آثار زیادی تدوین شده است اما درباره موضوع این نوشتار به ویژه بررسی تطبیقی پوشش زنان چین و ایران باستان کتاب یا مقاله‌ای یافت نشد:

درباره پیشینه پژوهش می‌توان به کتاب‌ها و مقالات زیر اشاره کرد: کتاب «پوشاک در ایران باستان» اثر فریدون پوربهمن. این کتاب که توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده، به بررسی جامع پوشاک زنان و مردان در دوره‌های مختلف ایران باستان (ماده‌ها، هخامنشیان، اشکانیان، و ساسانیان) می‌پردازد.

کتاب پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، جلیل ضیاءپور، این کتاب مرجع مفصلی درباره تحولات پوشش زنان در ایران از دوران باستان تا دوره معاصر است. مقالات متعددی هم به این موضوع پرداخته‌اند از جمله: نگاهی بر سیر تاریخی حجاب زنان در فرهنگ ایران، سید قاسم موسوی، نشریه فرهنگ « سال ۱۳۸۸؛ این مقاله به تحولات پوشش زنان از دوره باستان تا قاجار پرداخته و به تأثیرات فرهنگی اشاره می‌کند. حجاب در ایران باستان،

عنوان مقاله‌ای است که در مجلات رشد، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی منتشر شده و به بررسی مستند پوشش زنان در ایران باستان بر اساس آثار باستانی و منابع تاریخی می‌پردازد. پژوهش پیش رو در بررسی سیر تحول پوشش در دوره‌های مختلف تاریخی ایران باستان و نیز بهره‌برداری از منابع باستان‌شناسی مانند نقوش برجسته، مهرها، سنگ‌نگاره‌ها و منابع مکتوب تاریخی و نیز توصیف و تحلیل ساختار و اجزای پوشش زنان (پیراهن‌های بلند، چادر، شلوار و زیورآلات) با پژوهش‌های پیشین قرابت دارد. نقطه تمایز آن از پژوهش‌های پیش گفته در رویکرد تطبیقی و نیز بهره‌برداری از منابع چینی است:

این پژوهش با رویکردی تطبیقی، به بررسی و مقایسه پوشش زنان در دو تمدن بزرگ ایران باستان (تا پیش از ورود اسلام) و چین (از دوران باستان تا عصر معاصر) می‌پردازد. برخلاف اغلب منابع و پژوهش‌های پیشین که تمرکز آن‌ها بیشتر بر فرهنگ و منابع ایرانی بوده است، این مقاله تلاش دارد با بهره‌گیری هم‌زمان از منابع تصویری، نوشتاری و هنری هر دو تمدن، تصویری دقیق‌تر و جامع‌تر از جایگاه پوشش زنان ارائه دهد.

برای نمونه، تطبیق میان نقوش برجسته‌ی تخت جمشید در ایران و نقاشی‌های دوران هان در چین، امکان تحلیل بهتر کارکرد اجتماعی و فرهنگی لباس در طبقات مختلف را فراهم می‌سازد. هدف اصلی پژوهش، شناسایی نقاط اشتراک و تمایز در نوع پوشش، معناهای نمادین آن، و ارتباط آن با طبقه اجتماعی، نقش جنسیتی و ارزش‌های فرهنگی در این دو جامعه است.

مفهوم شناسی

مفهوم پوشش زن به شیوه‌ها و الزاماتی اشاره دارد که برای پوشیدن زنان در جوامع مختلف به کار می‌رود. این مفهوم تحت تأثیر عوامل فرهنگی، مذهبی، تاریخی و سیاسی قرار می‌گیرد و می‌تواند در هر جامعه و فرهنگ متفاوت باشد.

در برخی فرهنگ‌ها و مذاهب، پوشش زنان به عنوان نشانه عفت و احترام مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این موارد، زنان ممکن است موظف باشند پوششی محافظت‌کننده از بدن‌شان به کار ببرند که معمولاً شامل روسری، چادر و نقاب است.

مفهوم پوشش زن نه تنها به پوشش بدنی زنان اشاره دارد، بلکه شامل میزانی از حجاب، استفاده از آرایش و جواهرات و سایر عواملی است که در تزئین و ظاهر زنان تأثیر دارند.

مفهوم پوشش زن به طور کلی بستگی به محیط و فرهنگی که زن در آن زندگی می‌کند دارد

و ممکن است در جوامع مختلف با تفاوت‌های قابل توجهی همراه باشد. همچنین، تعاملات سیاسی و اجتماعی نیز می‌تواند بر مفهوم پوشش زن تأثیر داشته باشد.

الف- پوشش زنان در ایران باستان

فرهنگ ایرانی از جمله فرهنگ‌هایی است که همواره در خود تنوع بسیاری در خصوص لباس گروه‌های مختلف اجتماعی پذیرفته است. ایرانیان همیشه زن را گرامی داشته و به او احترام می‌گذاشتند و در آیین زرتشت به زنان شغل‌های مهم داده می‌شد و زنان در ورزش، شکار و هنرهای جنگی شرکت می‌کردند.

اسناد پیکرنگارانه و نوشته شده در مورد لباس باستانی ایران بسیار محدود است بنابراین به دلیل فقدان منابع باید سیر تکاملی لباس در ایران باستان را با بررسی نقوش برجسته، اشیای کنده کاری شده، نقاشی‌های دیواری، تابلوهای نقاشی، مجسمه‌ها، مهرها و سکه‌ها ملاحظه نمود.

سرزمین ایران از دوره کورش به بعد فقط منحصر در خاک ایران کنونی نبوده است، بلکه پادشاهان هخامنشی از زمان کورش، مناطق وسیعی از کشورهای خاورمیانه و شرق نزدیک را در حیطه حکمرانی خود داشته‌اند.

به این ترتیب، مقصود ما از تاریخ این عصر نشان دادن وضع پوشش زنان در تمام سرزمین‌هایی است که در آن روزگار تحت تسلط حاکمان ایرانی بوده است. از نظر وسعت زمانی بحث درباره پوشش زنان ایران باستان را باید در دوره‌های قدیمی تا آخرین دوره پیش از اسلام یعنی ساسانیان بررسی شود.

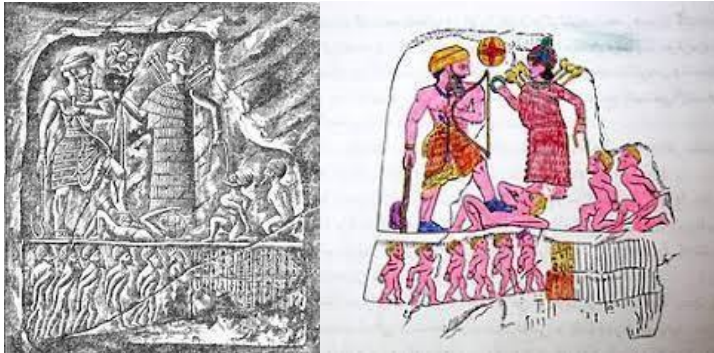
۱. مادها

مادها مردمانی آریایی‌نژاد بودند و سلسله‌ای در ابتدای قرن هفتم یا هشتم قبل از میلاد تأسیس کردند. (بیات، ۱۳۸۴، ص ۱۱) آنها مردمی با نژاد هندی اروپایی بودند که وارد فلات ایران شدند و سرزمین آنها ماد نام گرفت. ایرانیان در دوره باستان به لباس و زیبایی آن توجه خاص داشتند. (رومن، ۱۳۷۴، ص ۵۸) مادها که ۶ قبیله بزرگ می‌شدند و به وسیله یکی از روسای بزرگ خود یعنی دیاکو به اتحاد رسیدند تا بتوانند در مقابل همسایه مهاجم غربی یعنی آشوری‌ها ایستادگی کنند. (معطوفی، ۱۳۸۷، ص ۹۸)

در زمان مادها زنان ایرانی پوشش مناسبی داشتند و بدن آنها پوشیده بود این را می‌توان از روی تصاویر و سنگ نگاره‌های آن دوران مشاهده و اثبات کرد. این نقش برجسته‌ای از کونگان بهبهان است که زنان با تن پوشی ساده نشان داده شده‌اند و این مربوط به دوره ایلام میانه است و نمایش دهنده الهه زن^۱ است و نوع پوششی که بر سر داشته و دامن‌هایی که بر تن دارند نشان می‌دهد این تن پوش‌ها باید به دوره پیش از هخامنشیان باشد. (مهرآسا، ۱۳۸۷، ص ۹۹) (تصویر شماره یک)

با ورود مادهای آریایی نژاد به فلات ایران و تأسیس نخستین حکومت منسجم، نه تنها بنیان سیاسی تازه‌ای شکل گرفت، بلکه پوشش و ظاهر مردم، به ویژه زنان، اهمیت فرهنگی خاصی یافت. تفاوت پوشش در این دوره نسبت به اقوام پیشین، مانند ایلامیان، نشان‌دهنده تأثیر فرهنگی عمیق مادها در شکل‌دهی به هویت ایرانی و نقش آن‌ها در ایستادگی در برابر تهدیدات خارجی مانند آشوری‌ها است. این تفاوت‌ها نه تنها موجب اتحاد داخلی شد بلکه پایه‌گذار ارزش‌هایی در حوزه فرهنگ، پوشش و نظم اجتماعی ایران باستان گردید (بیات، ۱۳۸۴، ص ۱۱؛ مهرآسا، ۱۳۸۷، ص ۹۹).

تصویر زیر مربوط به زنی با لباس بلند در مقابل مردی با پوشش مادی در روی گنجینه جیحون است.



تصویر ۱. طرحی از نقش برجسته سرپل ذهاب، پادشاه آنوبانی نی، اله نی نی

در این تصویر مردی با ریش بلند، با سرپوشیده و گردنبنندی از مروارید به گردن دارد و با دامنی تا روی زانو، شرمگاه خود را پوشانده است و مردی دیگر که برهنه است و زیر پای او قرار دارد،

۱. مادها نخستین قوم ایرانی بودند که با آنهایتا آشنا شدند و او را مورد ستایش قرار دادند.

روبروی او زنی است که کلاه‌های بلند و نوک دار بر سردارد و پیراهن بلندی پوشیده است او حلقه‌ای در دست راست دارد و در دست چپش دو مرد کاملاً برهنه به زنجیر کشیده شده اند. (پوربهمن و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۲۶) (تصویر شماره دو)



تصویر ۲. مجسمه سفالی زن مادی هزار اول پیش از میلاد

۲. هخامنشیان

در سال ۵۵۸ ق. م. کورش دوم از سلسله هخامنشیان، شاه پارس شد، او شهر پاسارگاد را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کرد. این محل تحت حکمرانی هخامنشیان بود. (گراتوفسکی، ۱۳۵۹، ص ۷۶) بناهای ساخته شده توسط هخامنشیان و آثار بر جای مانده از آنها این فرصت را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد تا تطور تاریخی و سیر تکامل پوشش زن را بررسی و تبیین کند.

گزنفون درباره هخامنشیان و اتباع ایشان این‌گونه می‌گوید که مردان در لباس پوشیدن و خودآرایی مانند زنان بودند، «چشمان رنگ شده و چهره آراسته و کلاه‌گیس، همه از چیزهایی است که مخصوص مردم ماد است و نیز چنین است روپوش‌های ارغوانی رنگ و قبا‌های آستین‌دار و گردنبند و بازوبند، در پارس (ایران) حقیقی لباسها ساده‌تر و زندگی قانعانه‌تر است.» (راوندی، ۱۳۵۴، ص ۵۱۹)

هرودت در کتاب اول چنین نوشته است: «راست است که پارسیان پیش از آن‌که لودی (لیدی) را به فرمان درآورند هیچ تحمل و تن‌آسایی نداشته‌اند؛ شلوارهای گشاد چرمی به پا می‌کردند چنان‌که همه لباس‌های آنها چرمی بود.» چهار قرن پس از هرودت، استرابون نیز چنین

نوشت: «اما لباس توده مردم عبارت است از روپوش دولایی که تا وسط ساق پا می‌رسید و پاره‌ای پارچه که برگرد سر می‌پیچیدند. (بدیع، ۱۳۴۳، ص ۵۲)

تصویر پایین زین فرش مراسم مذهبی را ترسیم می‌کند که توسط چهار زن جشن گرفته شده است دو ملکه و دو زن که مسئول حراست از آنها هستند آن‌ها ایرانی الاصل بوده و لباس هخامنشی به تن دارند. این تصویر نشان می‌دهد زنان جامه چین دار تا روی پاشنه پا می‌پوشیدند. همه زنان تاج و جامه همانندی پوشیده و تنها تفاوت شاه بانو با زنان دیگر وجود پارچه‌ای نازک روی تاج شاه بانو است. (تصویر شماره ۳)



تصویر ۳. ملکه‌ها و ندیمه‌های آن، زین فرش، کشف شده در پازیریک ۱۹۴۹

۳. سلوکیان

پس از این که هخامنشیان از اسکندر

شکست خوردند کشور ایران به دست یونانیان افتاد. اگرچه حکومت او طولانی نبود و مرگ زود هنگام به قدرت او پایان داد اما جانشینان او سالیان زیادی بر ایران و قلمرو هخامنشیان حکومت کردند. آنان که تقریباً همه متصرفات هخامنشیان را در دست داشتند، بخش اعظم اصول تشکیلات خود را از هخامنشیان اقتباس کردند.

شاهنشاهی سلوکی شامل جهان ایرانی، بابل قدیم، شهرهای فنیقیه و شهرهای آسیای صغیر بود. سلوکیان که قریب هشتاد سال در ایران سلطنت کردند، عامل بزرگ یونانی کردن مشرق زمین بودند. (زرین کوب، ۱۳۸۴، ص ۵۷)

به موازات هنر یونانی و لباس‌های خاص آن، نوعی هنر تلفیقی یونانی-ایرانی پدید آمد که در

زمینه پوشاک، آمیزه‌ای زیبا از تجمل یونانی و شکوه سنتی پوشش ایرانی را به نمایش می‌گذاشت. تصویر پایین نشان می‌دهد زنان لباسی بلند و گشاد به تن نموده که تا روی پا قرار گرفته است و کلاهی روی سر دارند و نوعی حیا در آنها را نشان می‌دهد. (تصویر شماره ۴)



تصویر ۴. اثری بر جای مانده از دوره سلوکیان و اشکانیان-تندیس گچی مکشوف در هترا، زنی در لباس پارتی (اوبال دختر جابال)

۴. اشکانیان

شاهنشاهی اشکانی نام دودمانی ایرانی تبار و یکی از قدرت‌های سیاسی و فرهنگی ایرانی در ایران زمین بود که ۴۷۱ سال بر قسمت اعظم غرب آسیا حکومت کرد. مؤسس و بنیانگذار این دودمان، اشک نامیده شد، این امپراتوری در قرن ۳ پیش از میلاد توسط اشک، رهبر قبیله پرنی پس از فتح ساتراپ پارت در شمال شرقی ایران تأسیس گردید. (ابن اثیر، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۸۵)

مطالعه منابع تاریخی و بازنمایی‌های گوناگون زنان در داده‌های هنری و باستان‌شناختی اشکانیان همچون مجسمه‌ها، نگاره‌های زنان روی سکه‌ها، و نقاشی‌های دیواری، آشکارا نشان می‌دهند که زنان اشکانی، تا اندازه‌ای زیادی همچون زنان ایرانی دوره هخامنشیان در فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی جامعه خود، حضور چشمگیر داشته‌اند، اما همواره جامه‌های بلند، چین دار و گشادی می‌پوشیدند که کاملاً اندام آن‌ها را می‌پوشانید و حتی گهگاه پارچه نازک و بلندی همانند چادر را روی سر خود می‌افکندند. (جلیلیان، ۱۳۹۲، ش ۱۶)

۵. ساسانیان

امپراتوری ساسانی، واپسین سلسله ایران باستان بود که با پیروزی اردشیر بابکان بر اردوان پنجم، واپسین شاه اشکانی، در حدود سال‌های ۲۲۴ تا ۲۲۶ میلادی پایه‌گذاری شد. این حکومت، با پشتیبانی از دین زرتشتی و احیای هویت ایرانی، ساختاری متمرکز و نیرومند به خود گرفت. شاپور یکم، فرزند اردشیر، با پیروزی‌های نظامی چشمگیر و توسعه سازمان اداری، امپراتوری را به اوج قدرت و شکوفایی رساند (زرین‌کوب، ۱۳۸۴، ص ۹۵).

در ادامه، برخی از شاهان بعدی ساسانی با ضعف‌های مدیریتی و فشارهای داخلی و خارجی، از جمله حملات مداوم روم شرقی و ظهور قبایل عرب، نتوانستند اقتدار پیشینیان را حفظ کنند. این روند به تدریج باعث تضعیف حکومت شد و سرانجام در دوره پادشاهی یزدگرد سوم، آخرین شاه ساسانی، با حمله اعراب مسلمان به ایران، حکومت ساسانی فروپاشید (پیرنیا، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۳۴۲۵).

از منظر اجتماعی، ساختار جامعه ساسانی بر پایه نظامی طبقاتی استوار بود. این نظام، پوشش و جامه هر طبقه را تعیین می‌کرد. بردگان در پایین‌ترین مرتبه قرار داشتند و سپس کارگران و کشاورزان، و در مراتب بالاتر، اشراف، روحانیون و درباریان جای داشتند. هر طبقه دارای لباس خاص خود بود که جایگاه اجتماعی افراد را بازتاب می‌داد.

لباسی که آن‌ها بر تن دارد علاوه بر آن که می‌تواند نشان دهنده لباس زنان باشد، تغییر عمیق در هنر دوخت و دوز را نشان می‌دهد چین‌هایی که به صورت امواج روی پیراهن افتاده است پیراهنی بلند و آستینی بلند بر تن دارد در دست راستش حلقه قدرت است و دست چپش داخل ظرفی از آب است زیرا او اله آب است، موهایش با تاجی از سنگ‌های قیمتی زینت داده شده است. (تصویر شماره ۵)



تصویر ۵. نقش برجسته آن‌ها در مراسم تحلیف اردشیر دوم در طاق بستان

شهر بهشاپور به دست شاپور ساخته شد در یکی از بناها دور تا دور آن موزاییک‌هایی تزئین شده بود که روی آن طرح‌هایی از ستایش‌های زنانگی بود. در این تصویر زن پیراهنی بلند و آستین دار پوشیده است که پایین آن روی زمین افتاده است و شال جایگزین شنل شده است. (پوربهمن و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۹۷) (تصویر شماره ۶)



تصویر ۶ پوشش زن در عهد ساسانی، موزاییک بیشاپور

ب- نوع پوشش زنان در چین باستان

در طول هزاران سال، لباس‌های چینی از طریق سلسله‌های متوالی دشت‌های مرکزی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند، و آیین‌های کنفوسیوس نیز پیوسته با نیازهای زمان سازگار شده‌اند تا لباس‌هایی منظم با ویژگی‌های سلسله‌ها و حکومت‌ها تولید شود. لباس‌های سلسله‌های مختلف یکسان نبودند، هر سلسله اغلب مقررات دقیقی در مورد رنگ‌ها و سبک‌های مجاز برای هر سطح داشتند. (لوسی، ۱۴۰۳، ص ۱۹۱)

۱. سلسله هان (۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ پس از میلاد)

در سال ۲۰۲ قبل از میلاد، لیو بانگ، فرمانده ایالت چو قدرت را در چین به دست گرفت و سلسله جدیدی از امپراتوران چینی به نام هان را تأسیس کرد که تا قرن سوم بعد از میلاد وجود داشت.

سلسله هان دوران شکوفایی اقتصادی چین بود. این سلسله یکی از قدرتمندترین و تأثیرگذارترین سلسله‌ها در تاریخ چین محسوب می‌شود.

ملیت هان^۱ گروه قومی اصلی در چین است، بنابراین حروف چینی هانز^۲ نامیده می‌شود. به همین ترتیب، چینی ماندارین هانیو^۳ لباس‌های سنتی چینی هانفو^۴ نامیده می‌شود. لباس زنان در دوران سلسله هان با شن^۵ یی^۵ مشخص می‌شد. ردایی یک تکه که نماد آرمان‌های کنفوسیوس حیا و سلسله مراتب بود. لباس‌ها ساختار اجتماعی سفت و سخت را با سبک‌های متمایز برای طبقات مختلف منعکس می‌کردند. (Jing Yang. 2023)

در زمان سلسله هان، طرح‌ها و سبک‌های لباس‌های مردانه و زنانه مشابه بود. برای تمایز بین جنسیت‌ها از رنگ‌ها، پارچه‌ها و تزئینات مختلف استفاده می‌شود. این دوران به دلیل "سبک تاریک" با استفاده از پارچه‌های سیاه و قرمز شناخته شده است. مشخصه هانفو آستین‌های گشاد و لایه‌های گشاد است. لباس‌ها معمولاً از دو یا سه تکه تشکیل می‌شوند که عمدتاً لباس‌های چاک‌دار گشاد، دامن‌های بلند و روسری‌های چاک‌دار به عنوان لباس بیرونی، دور کمر پیچیده می‌شوند. (تصویر شماره ۷)



¹ hànzú

² hànzì

³ 汉语 hànǔ

⁴ 汉服 hàn fú

⁵ shenyi (深衣)

تصویر ۷. سبک لباس‌های زنان در سلسله هان

زنان همچنین می‌توانند از یک پیراهن یقه متقاطع با یک دامن بلند استفاده کنند و ویژگی این دوره تا سده ۶ میلادی این است که زنان لباسی گشاد و کاملاً پوشیده بر تن می‌کردند. (تصویر شماره ۸)



تصویر ۸. ۲۲۰ پیش از میلاد تا ۵۸۹ پس از میلاد

۲. سلسله سوئی (۵۸۱ میلادی تا ۶۱۸ میلادی)

بعد از امپراطوری هان، چین در عصر شورش‌ها و جنگ‌ها وارد شد تا این که در سال ۵۸۱ بنیانگذار دولت سوئی قدرت را به دست گرفت و دوباره چین را متحد کرد. در طول سلسله سوئی، چین از تقسیم به وحدت، از جنگ به ثبات، با رونق اقتصادی و فرهنگی پیش رفت.

در دوران سلسله‌های سوئی، صنعت پوشاک از نظر مواد اولیه و سبک طراحی، دگرگونی چشمگیری را تجربه کرد و به شکوفایی بی‌سابقه‌ای رسید. در این دوران، الگوهای چاپ و رنگرزی پارچه‌ها به دو دسته اصلی تقسیم می‌شدند: رنگرزی چند رنگ^۱ و رنگرزی تک‌رنگ. این نوع در رنگ و نقش باعث شد تا لباس‌ها جلوه‌ای چشم‌نواز و مجلل پیدا کنند.

¹ over-dyeing

لباس زنان در این دوره نه تنها سرشار از ویژگی‌های مدگرایانه بود، بلکه اغلب از لباس‌های درباری الهام می‌گرفت و به مرور به فرهنگ عامه راه پیدا می‌کرد، به طوری که مدل‌های نوآورانه ابتدا در کاخ پدید می‌آمد و سپس به سرعت در میان مردم تقلید می‌شد. تأثیر اقوام شمال غربی چین، به ویژه قبایل ترک‌تبار، نیز در طراحی لباس‌ها به چشم می‌خورد و سبک پوشاک را منحصر به فرد و ترکیبی کرده بود (Lee, Lily Xiao Hong, 1999)

شیک‌ترین پوشش زنان در سلسله سویی معمولاً دامن بلند و تاپ کوتاه بود. کمر بند یا نوار بلندی که دامن را در جای خود نگه می‌داشت، تا زیر بغل بالا می‌آمد. پوشیدن این نوع لباس ساده بود؛ زنان اغلب از لباسی به نام "نیم‌آستین" استفاده می‌کردند که در طرح‌های مختلفی چون یقه دوبل، جلو بسته یا بدون یقه دیده می‌شد. آستین‌ها تا آرنج، بلندی لباس تا کمر، و با کمر بندی باریک بسته می‌شد. به دلیل یقه باز و پهن، بخش بالایی سینه در این لباس‌ها نمایان می‌شد، که این خود بخشی از زیبایی‌شناسی لباس زنانه آن دوران به شمار می‌آمد. این نوع لباس تا مدت‌ها محبوب باقی ماند و حتی بعدها مردان نیز از آن استفاده می‌کردند (تصویر شماره ۹).

در کنار پوشاک، استفاده از روسری‌های بلند تزیینی نیز رواج داشت. این روسری‌ها از پودر طلا و نقره یا گل‌های نقره‌کوب ساخته می‌شد و جنبه زینتی بالایی داشت. با وجود تغییرات متعددی که در مدل لباس‌ها پدید آمد، ویژگی‌هایی مانند پوشیدگی و آزاد بودن آن همچنان حفظ شد و از بین نرفت. (Sun Ji (孙机), 2005).



Fig. 4: 220-589 AD
Wei, Jin, Southern and
Northern dynasties

Fig. 5: 420-589 AD
Southern and Northern dynasties

Fig. 6: 581-618 AD
Sui dynasty

تصویر ۹. از ۲۲۰ پس از میلاد تا ۶۱۸ پس از میلاد، در دوران سلسله سویی

۳. سلسله تانگ (۶۱۸ تا ۹۰۷ میلادی)

سلسله تانگ (۶۱۸-۹۰۷ میلادی) به طور گسترده به عنوان یکی از شکوفاترین و از نظر فرهنگی غنی‌ترین ادوار در تاریخ چین شناخته می‌شود. این دوره، اوج پیشرفت‌های فرهنگی، هنری، علمی و سیاسی در چین بود و تأثیرات آن تا سده‌ها بعد در آسیا و حتی فراتر از آن باقی ماند. رونق تجارت بین‌المللی در این دوران، به ویژه از طریق جاده ابریشم، موجب شد چین به مرکز تبادل فرهنگی و اقتصادی بین شرق و غرب تبدیل شود. از طریق این مسیر، نه تنها کالاهایی همچون ابریشم، چای و ادویه‌جات مبادله می‌شد، بلکه فرهنگ‌های هند، ایران (ساسانی) و حتی سرزمین‌های غربی مانند بیزانس نیز وارد چین شدند و با فرهنگ بومی درآمیختند. این تبادلات منجر به گسترش هنرهای ایرانی در نقاشی و طراحی منسوجات، و حتی ظهور سبک‌های معماری و موسیقی جدید در دربار تانگ شد. (Rong Xinjiang, ۲۰۰۷)

تواریخ پنج امپراتور^۱ می‌گوید که لیزو^۲، همسر امپراتور زرد^۳، کرم ابریشم را پرورش داد تا ابریشم برای لباس بسازد، ژانگ شوچی^۴ از سلسله تانگ گزارش می‌دهد که "امپراتور زرد، خانه‌ها می‌ساخت و لباس می‌دوخت.

لباس‌های رایج در سلسله سویی و اوایل سلسله تانگ، زنان ژاکت‌های کوتاه با آستین‌های کوچک و دامن‌های بلند تنگ می‌پوشیدند، دامن‌ها را از کمر بلند می‌بستند، معمولاً بالای کمر، و حتی برخی را زیر بغل و با روبان می‌بستند، تا ظاهری زیبا نشان دهد. (Benn, Charles., 2002).

از آنجایی که پارچه‌ها و رنگ‌های جدید بیشتری از کشورهای همسایه وارد می‌شد، فرصت عالی برای ترویج تغییرات در مد سنتی وجود داشت.

سلسله تانگ دوران طلایی مد زنان را با لباس‌هایی که بازتر، رنگارنگ‌تر و تحت تأثیر فرهنگ‌های خارجی قرار داشتند رقم زد (Qionghua Deng 2016)

در طول سیزده سال حکومت سلسله تانگ بر چین و مبادلات گسترده با مناطق غربی، توسعه لباس زنان به اوج خود رسید، پوشیدن دامن‌های نیمه‌باز در دوران سلسله تانگ، بازتابی از

¹ Records of the Five Emperors - 五帝本纪

² Leizu - 嫫祖

³ The Yellow Emperor - 黄帝

⁴ Zhang Shoujie - 张守节

روحیه باز و پذیرای جامعه آن زمان بود. اگر نگاهی به لباس‌های محافظه‌کارانه‌تر در سلسله‌های پیشین بیندازیم، این تغییر چندان دور از انتظار به نظر نمی‌رسد؛ چرا که شکوفایی فرهنگی و تعامل با تمدن‌های دیگر، زمینه‌ساز دگرگونی در سبک پوشش نیز شده بود. این دوره نفوذ گسترده خارجی را شاهد هستیم که زنان چین در اواخر این دوره لباس گشادتری پوشیدند. (مرکز تحقیقات زدیک، بی تا، لباس باستانی زنان) (تصویر شماره ۱۰)



تصویر ۱۰. ۶۱۸ تا ۹۰۷ پس از میلاد

۴. سلسله سونگ (۹۶۰ تا ۱۲۷۹ میلادی)

دودمان سونگ^۱ یکی از سلسله‌های حاکم بر چین بود که از سال ۹۶۰ تا ۱۲۷۹ میلادی بر این کشور حکومت کرد. سبک پوشاک در این دوره تا حد زیادی تحت تأثیر سنت‌های باقی‌مانده از سلسله تانگ قرار داشت، مردم عادی معمولاً لباس‌هایی ساده با یقه‌های گرد می‌پوشیدند که طراحی آن‌ها برای فعالیت‌های روزمره مناسب بود. هنگام کار، بخش‌هایی از لباس را برای راحتی بیشتر درون کمر بند خود می‌گذاشتند. رنگ‌های متداول این لباس‌ها نیز سیاه و سفید بود که نماد سادگی و فروتنی در فرهنگ آن زمان به شمار می‌رفت. (Hua, Mei, 2004)

^۱ 宋朝

زنان در سلسله سونگ در بالاتنه شلوارک و در پایین تنه دامن بلند می‌پوشیدند. آنها معمولاً یک ژاکت آستین کوتاه در بیرون از بالا می‌پوشیدند، دقیقاً شبیه جلیقه‌های امروزی که یقه و جلوی کت گلدوزی شده بود. (تصویر شماره ۱۱)



تصویر ۱۱. ۹۶۰ میلادی تا ۱۲۷۹ میلادی

۵. سلسله یوان (۱۲۷۱ تا ۱۳۶۸ میلادی)

سلسله یوان پس از تقسیم امپراتوری مغول، دولت جانشین امپراتوری مغول بود و سلسله امپراتوری چین توسط کوبلای (امپراتور شیزو^۱)، رهبر قبیله بورجیگین^۲ مغول، از سال ۱۲۷۱ تا ۱۳۶۸ تأسیس شد.

پوشاک در دوران دودمان یوان (۱۲۷۱-۱۳۶۸ میلادی) به‌طور کلی به دو سبک اصلی تقسیم می‌شد: سبک اشرافی و سبک رایج میان مردم عادی. اکثر اشراف آن دوره از قوم مغول بودند و لباس رسمی آنها شامل کت‌های خز و کلاه خزدار می‌شد که نماد جایگاه اجتماعی و ثروت بود. استفاده از پوست راسو، گوسفند و دیگر خزها در میان طبقات بالا بسیار متداول بود. لباس اشرافی اغلب به‌صورت ردهای بلند و گشاد با سراسین‌های تنگ و آستین‌های بلند و باز طراحی می‌شد. این نوع پوشش که تحت تأثیر سبک زندگی کوچ‌نشین مغولان بود، هم‌زمان ترکیبی از زیبایی، شکوه و کاربرد برای هوای سرد محسوب می‌شد. از آن‌جا که این لباس‌ها بسیار بلند و حجیم بودند، بانوان اشراف‌زاده هنگام خروج از خانه و حضور در اجتماعات تفریحی یا

^۱ Kublai (Emperor Shizu)

^۲ Mongol Borjigin clan

مذهبی، نیاز به همراهی خدمتکار داشتند تا لباس هایشان را از زمین جمع کند و مانع حرکتشان نشود (Hua, Mei, 2004)

در سلسله یوان، زنان غیرنظامی از دامن‌های سنتی چینی هان استفاده می‌کردند و دامن‌های نیمه نیز بسیار رایج بود. (تصویر شماره ۱۲)

لباس‌های سلسله هان اغلب بر روی همراهان رقص‌ها در کاخ ظاهر می‌شد. پیراهن‌های آستین باریک و کلاه‌های سلسله تانگ نیز حفظ شد. لباس‌های سلسله یوان عمدتاً روپوش بود، این سبک کمی بزرگتر از سبک سلسله لیاو است.

خدمتکاران با موقعیت پایین اغلب علاوه بر لباس معمولی، پیراهن آستین کوتاه نیز می‌پوشند، زنان نیز این رسم را داشتند علاوه بر شکل رایج روپوش‌ها در سلسله‌های لیاو و جین، سبک دیگری نیز وجود دارد که یقه گرد، آستین‌های تنگ و چین‌های متراکم است.



تصویر ۱۲. سده ۱۳ تا ۱۴ میلادی

۶. سلسله مینگ (۱۳۶۸ تا ۱۶۴۴ میلادی)

امپراتوری مینگ از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۶۴۴ میلادی پس از فروپاشی دودمان مغولی یوان بنا شد. مینگ آخرین دودمان چینی بود که هان‌ها قدرت اصلی را در دست داشتند. لباس زنان در دوران سلسله مینگ شامل گلدوزی‌های پیچیده و استفاده از پارچه‌های مجلل

مانند ابریشم بود. یک لباس تکه دوزی^۱، به عنوان نمادی از خلاقیت و تدبیر در میان زنان عادی ظاهر شد. (Huang Ching Yu .2011)

لباس‌های سلسله‌مینگ سبک‌های سلسله‌های سونگ و یوان را به ارث بردند، اما درجه خاصی از اصلاح و تکامل نیز داشتند. برای مثال، کت محبوب در سلسله‌مینگ از کت کمر مغول‌ها در سلسله یوان به ارث رسیده بود، لباس زنان در سلسله‌مینگ عمدتاً از کت و دامن تشکیل می‌شد و تفاوت اصلی با دامن‌های نسل قبل این بود که تاپ‌ها داخل دامن‌ها بسته نمی‌شد. (جون داردس، ۱۷۳۹، ج ۶۷) دامن در ابتدا از شش تکه ساخته شده بود چون اصطلاحی بود که «دامن آب رودخانه شیانگ‌جیانگ را شش تکه می‌کشد»^۲ و بعداً از هشت تکه ساخته شد. مانند الگوهای آب در پایان سلسله‌مینگ، تزئین دامن‌ها بیشتر و دقیق‌تر شد، پهنای دامن به ده افزایش یافت و چین‌های کمر فشرده‌تر و متراکم‌تر شدند، وقتی نسیم می‌وزید رنگش مثل مهتاب بود به همین خاطر به آن دامن مهتابی می‌گویند.

در دوره جونگزن^۳ یکی از دوره‌های سلسله‌مینگ، نوعی لباس ساخته شده از تکه‌های مختلف مواد ظاهر شد که به آن لباس شالیزاری می‌گویند. این نام به این دلیل است که رنگ‌های کل لباس در هم تنیده شده و به شکل یک شالیزار شکل گرفته است. (تصویر شماره ۱۳)



تصویر ۱۳. سده ۱۴ تا ۱۷ میلادی

^۱ shuitianyi (水田衣)

^۲ 湘江水裙，製作六绡

^۳ Chongzhen

۷. سلسله چینگ (۱۶۴۴ تا ۱۹۱۱ میلادی)

دودمان چینگ که با نام‌های پادشاهی چینگ بزرگ، یا دودمان منچو نیز شناخته می‌شود، چهارمین امپراتوری بزرگ جهان و آخرین سلسله پادشاهی در چین بود که از سال ۱۶۴۴ تا ۱۹۱۱ میلادی بر چین حکمرانی می‌کرد. پس از ورود ارتش چینگ به پایتخت، حاکمان سلسله چینگ برای ترویج اصلاح و تعویض لباس از زور استفاده کردند. در نتیجه، لباس‌های مردانه و لباس رسمی در سلسله مینگ از جامعه سلسله چینگ ناپدید شد. هنجار «ده طاعت و ده نافرمانی»، در جامعه اجرا شد. (هوآمی، ۱۳۹۹، ص ۴۳) در طول سلسله چینگ، ابزارهای خشونت آمیز برای ترویج تراشیدن مو و تعویض لباس، و یکپارچه سازی لباس مردان بر اساس آداب و رسوم منچو استفاده می‌شد، مقررات مربوط به لباس، رنگ اعلام شد و تاج و لباس‌هایی با رنگ‌های قوی ملیت هان لغو شد.

حاکمان منچو^۱ دامن مخصوصی را معرفی کردند، لباسی متناسب که سبک هان و منچو را با هم ترکیب می‌کرد. این دوره همچنین شاهد تأثیر زیبایی‌شناسی روکوکو^۲ اروپایی بود که منجر به طراحی‌های پیچیده‌تر و پراذین‌تر شد.

توسعه لباس زنان در سلسله چینگ بین هان و منچو متفاوت بود، در دوره‌های کانگشی و یونگ‌ژنگ^۳، زنان هان هنوز سبک‌های سلسله مینگ را حفظ کردند، لباس‌های آستین‌های کوچک و دامن‌های بلند می‌پوشیدند و ابداعات پایانی نداشت.

اما در اواخر سلسله چینگ، زنان شهری مجبور شدند دامن و شلوار را کنار بگذارند و روی لباس‌های خود توری ببوشند، بیشتر لباس‌های گران این گونه بود.

^۱ qipao (旗袍)

^۲. عصر گرجستان که سبک روکوکو یا رژیم باستانی نیز نامیده می‌شود، دوران تغییرات سریع در طلوع انقلاب صنعتی، نابرابری اجتماعی بزرگ و همچنین اوج‌های هنری در فرهنگ رو به رشد جامعه بود، در لباس، تغییرات زیادی را شاهد بود زیرا استایل‌های باریک‌مانتیوی در اوایل دهه ۱۷۰۰ جای خود را به Robe à la Francaise داد که دامنی بلند و در پشت آن پف کرده است در هنگام راه رفتن مانند بادبان بلند می‌شود.

^۳. بنابراین، منظور از «این دو دوره» در متن، دوره‌ی سلطنت امپراتور کانگشی و یونگ‌ژنگ از سلسله‌ی چینگ است. کانگشی (Kangxi) – سلطنت از ۱۶۶۱ تا ۱۷۲۲ میلادی، یونگ‌ژنگ (Yongzheng) – سلطنت از ۱۷۲۲ تا ۱۷۳۵ میلادی

تصویر ۱۴. سده ۱۸ تا ۲۰ میلادی



۸. پایان حکومت چینگ تا انقلاب کمونیستی (۱۹۱۱ تا ۱۹۴۹ میلادی)

سلسله چینگ، که از سال ۱۶۴۴ تا ۱۹۱۲ میلادی حکومت کرد، آخرین سلسله امپراتوری در تاریخ چین بود. با سقوط این سلسله در سال ۱۹۱۲ و تأسیس جمهوری چین^۱، کشور وارد عصری از مدرنیزاسیون، اصلاحات اجتماعی و تبادل فرهنگی با غرب شد. این دوره، به ویژه برای زنان، دوره‌ای از دگرگونی عمیق در نقش‌های اجتماعی، آموزش، و پوشش بود.

تحول لباس زنان

الف- مدرن شدن چیپائو^۲

در دوران چینگ، چیپائو (یا چانگ‌پاو) لباسی سنتی با طرحی پوشیده و گشاد بود که اغلب توسط زنان منچو استفاده می‌شد. اما در دوره جمهوری (به ویژه دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰)، این لباس به فرمی باریک، چسبان و بدن‌نما تبدیل شد.

^۱ (Republic of China)

^۲ Qipao / 旗袍

چیپائو جدید دارای یقه‌ی ایستاده، برش‌های بلند در طرفین و دوخت‌هایی ظریف بود و به نمادی از مدرنیته، زنان تحصیل کرده، و آزادی زنانه تبدیل شد.

زنان بازیگر، دانش‌آموخته، و کارکنان دولت به پوشیدن آن روی آوردند.

ب- تاثیر مد غربی

در شهرهای مدرنی چون شانگهای، پکن و نانجینگ، زنان چینی تحت تأثیر مد اروپایی قرار گرفتند.

لباس‌هایی با برش اروپایی، دامن‌های کوتاه‌تر، کلاه، کت‌های سبک، جوراب‌های نایلونی، و کفش پاشنه‌بلند به تدریج رواج یافت.

حتی چیپائوهای مدرن گاهی با عناصر غربی ترکیب می‌شدند (مثلاً پارچه‌های توری یا تزئینات مدرن).

چیپائو به عنوان نماد ملی

در دوره جمهوری، چیپائو به تدریج جایگاه لباس ملی زنان چینی را یافت. در مراسم رسمی و مدارس دخترانه، از آن به عنوان یونیفرم استفاده می‌شد. با وجود تأثیر غرب، چیپائو توانست هویتی منحصر به فرد برای زنان چینی بسازد که هم سنتی بود و هم مدرن (Wu hao. 1998)

۹. از انقلاب کمونیستی تا پایان انقلاب فرهنگی (۱۹۴۹ تا ۱۹۷۶ میلادی)

در دوران مائو (۱۹۴۹-۱۹۷۶)، لباس در چین تا حد زیادی تحت تأثیر ایدئولوژی‌های سیاسی و اجتماعی آن زمان بود. در اینجا به تفکیک عناصر کلیدی آمده است:

۹-۱- کت و شلوار مائو: این لباس که با نام کت و شلوار ژونگشان (پس از سان یات سن) یا کت و شلوار مائو (بعد از مائو تسه تونگ) شناخته می‌شود، به لباس استاندارد برای مردان و زنان تبدیل شد. دارای یقه بلند، چهار جیب جلو و جلو دکمه دار بود. کت و شلوار نماد ارزش‌های برابری، یکنواختی و جمع‌گرایی بود.

۹-۲- برابری و جمع‌گرایی: طراحی کت و شلوار مائو عمداً از نظر جنسیتی خنثی بود که نشان‌دهنده تمرکز حزب کمونیست بر برابری بود. این یک تغییر شدید نسبت به دوران قبل از انقلاب بود، جایی که لباس می‌توانست موقعیت اجتماعی و ثروت فرد را منعکس کند.

۳-۹- طراحی سودمند: لباس زنان در این دوره فاقد تزیین و برای کاربردی بودن طراحی شده بود. تأکید بر عملکرد بیش از زیبایی شناسی بود. لباس‌ها اغلب از پارچه‌های ساده و بادوام مانند پنبه ساخته می‌شدند.

۴-۹- پالت رنگ: پالت رنگی عمدتاً تیره و بی صدا بود - مانند آبی سرمه ای، خاکستری و مشکی - که بیشتر بر یکنواختی و سادگی تأکید می‌کرد.

۵-۹- بیانیه اجتماعی و سیاسی: پوشیدن کت و شلوار مائو فقط یک انتخاب مد نبود. همچنین یک بیانیه سیاسی بود که نشان دهنده تعهد فرد به آرمان‌های کمونیستی و انقلاب بود. به طور کلی، لباس این دوره ابزار قدرتمندی در ترویج ایدئولوژی‌های حزب کمونیست و تقویت حس وحدت در میان مردم چین بود. (Feng jie 2019)

۱۰. عصر جدید چین از ۱۹۷۸ تاکنون

در دوره اصلاحات و گشایش تغییر قابل توجهی در مد چینی قابل مشاهده است. در اینجا برخی از جنبه‌های کلیدی این تحول آورده شده است:

۱-۱۰- تأثیر غربی: با باز شدن اقتصاد چین، سبک‌های مد غربی مانند شلوار جین، تی شرت، دامن کوتاه و کت و شلوار، به ویژه در میان نسل جوان محبوبیت زیادی پیدا کردند. این تلفیقی از سبک‌های غربی عصر جدیدی از تنوع و فردیت مد را معرفی کرد.

۲-۱۰- احیای عناصر سنتی: لباس‌های سنتی چینی مانند چیپائو^۱ و هانفو (لباس سنتی چینی)^۲ تجدید حیات را تجربه کردند، که اغلب برای آمیختن با روندهای مد معاصر بازسازی و مدرن می‌شوند. این تلفیقی از قدیم و جدید، لباس‌های منحصر به فرد و شیک را ایجاد کرد که در عین زیبایی‌شناسی مدرن، میراث فرهنگی را ارج نهاد.

۳-۱۰- رشد صنعت مد: سیاست‌های باز کردن نیز باعث رشد صنعت مد داخلی چین شد. طراحان، برندها و رویدادهای مد مانند هفته مد شانگهای شروع به کسب شهرت بین‌المللی کردند و استعداد و خلاقیت چینی را در صحنه جهانی به نمایش گذاشتند.

۴-۱۰- تأثیر رسانه‌ها و فرهنگ غربی: ظهور رسانه‌ها، از جمله تلویزیون، فیلم‌ها، و در نهایت اینترنت، نقش مهمی در گسترش روند مد داشت. نمادهای فرهنگ غرب و افراد مشهور

^۱ Qipao

^۲ -Hanfu

به تأثیرگذاران مد تبدیل شدند و بیشتر باعث پذیرش سبک‌های جدید شدند. در اصل، دوره اصلاحات و گشایش، مد چینی را از یکنواختی دوران مائو به چشم‌اندازی پر جنب و جوش و متنوع تبدیل کرد که هم تأثیرات جهانی و هم قدردانی مجدد از فرهنگ سنتی را منعکس می‌کرد. (Liu, J. Ming L., & Wang, Z.2022)

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی پوشش زنان در ایران باستان و چین نشان می‌دهد که پوشش نه تنها بازتابی از ساختار اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه بوده، بلکه ابزاری کارآمد برای بازنمایی هویت، منزلت و نقش زنان در هر دوره تاریخی به شمار می‌آمده است. در ایران پیش از اسلام، نمونه‌هایی چون نقش برجسته‌های مکان‌های باستانی یا سفالینه‌های کشف‌شده از تمدن ایلامی نشان می‌دهند که پوشش زنان اغلب شامل تن‌پوش‌های بلند، سربندها و پوشش مو بوده که افزون بر جنبه زیبایی‌شناسی، نوعی مرزگذاری اجتماعی و اخلاقی محسوب می‌شده است. این پوشش‌ها، که در میان زنان درباری و اشراف‌زاده رسمی‌تر و فاخرتر بوده، نشان از پیوند آنان با نخبگان و جایگاه ممتاز اجتماعی دارد.

در چین، نیز شاهد روند مشابهی هستیم. برای مثال، در دوران دودمان تانگ، پوشش زنان درباری با پارچه‌های ابریشمی و رنگ‌های نمادین، همچون قرمز و زرد سلطنتی، همراه با آرایش مو و زینت‌آلات خاص، نشانه‌ای از منزلت اجتماعی و وابستگی طبقاتی آنان به حساب می‌آمد. همچنین در دوران دودمان مینگ، استفاده از هانفو (لباس سنتی چینی) با طراحی‌های دقیق و جزئیات نمادین، بیانگر نقش زن در ساختار سنتی خانواده و جایگاه او در نظام اخلاقی کنفوسیوسی بود.

در هر دو فرهنگ، پوشش زنان نه فقط تابع مد زمانه، بلکه بازتابی از جهان‌بینی و نگرش جامعه به زن، خانواده، و نظم اجتماعی بوده است. از سوی دیگر، با ورود عناصر فرهنگی بیگانه—از جمله تأثیر یونانی‌ها در ایران پس از اسکندر یا تأثیر فرهنگ غرب در چین دوران جمهوری و پس از آن—شاهد نوعی «بازخوانی فرهنگی» در پوشش زنان هستیم که گاه با مقاومت سنت و گاه با تطبیق‌پذیری فرهنگی همراه بوده است.

نکته کلیدی و مشترک آن است که پوشش رسمی‌تر و پوشیده‌تر زنان در هر دو تمدن، همواره با نشانه‌هایی از منزلت اجتماعی، تعلق خانوادگی، و ارزش‌گذاری فرهنگی همراه بوده و در بسیاری از مقاطع تاریخی، ابزار مهمی برای تثبیت هویت فرهنگی و مقابله با تلاطم‌های بیرونی به شمار می‌رفته است.

منابع

۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۷۱). تاریخ کامل. مترجم: سید حسین روحانی و حمید رضا آژیر. تهران: نشر اساطیر
۲. پیرنیا. حسن (۱۴۰۰). تاریخ ایران باستان. تهران: انتشارات نگاه
۳. جلیلیان، شهرام؛ فاطمی، سید علی (۱۳۹۲). پوشش زنان در دوره اشکانیان، تهران: نشر مطالعات تاریخ فرهنگی
۴. جون داردس (۱۷۳۹). تاریخ سلسله مینگ، پکن-چین: نشر حکومتی
۵. راوندی مرتضی (۱۳۵۴). تاریخ اجتماعی ایران، تهران، ایران: نشر امیر کبیر
۶. رومن گیرشمن (۱۳۷۴). ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
۷. زرین کوب، عبدالحسین (۱۴۰۲). تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران: نشر امیر کبیر
۸. ژول ایزاک، آلبر ماله (۱۳۴۵). تاریخ رم، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، تهران: نشر ابن سینا
۹. لوسی وانگ (۱۴۰۳). نقاشی چینی (تکنیک‌های ساده و ضرب قلم‌های ظریف)، ترجمه گلناز کشاورز، تهران-ایران: نشر قدیانی
۱۰. ویل دورانت (۱۳۴۳). تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران: نشر اقبال
۱۱. معطوفی، اسدالله (۱۳۸۷). گرگان و استرآباد سنگ مزارها و کتیبه‌های تاریخی، تهران: نشر حروفیه
۱۲. مهرآسا غیبی (۱۳۸۷). هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: نشر هیرمند

منابع خارجی

1. Benn, Charles. (2002). *China's Golden Age Everyday Life in the Tang Dynasty*. Oxford University Press,
2. Yang, Jing. (2023). *Women's Clothing Culture of the Wei, Jin, Southern and Northern Dynasties*. Philosophy and Culture
3. Huang, Cai-Yuan. (2011). *The Integration of Chinese Historical Costumes and Contemporary Women's Fashion*. Birmingham City University
4. Liu, J., Ming, L., & Wang, Z. (2022). *The Evolution of Chinese Women's Image Before and After the Reform and Opening Up*. Atlantis Press
5. Wu, Hao. (1998). *History of Chinese Women's Costume: Transition and Liberation (1911–1935)*. University of Hong Kong
6. Feng, Jie. (2019). *Uniformities of Fashion: A Critical Reading of Women's Clothing in Altermodern China*. University of Southampton
7. Lee, Lily Xiao Hong. (1999). *Women of China Tang Dynasty Clothing and Culture*, Journal of Chinese History
8. Hua, Mei. (2004). *Chinese Clothing: Costume History*. China Intercontinental Press.
9. Qionghua .Deng . (2016). *Research of Women Dresses in the Tang Dynasty and the Modern Dresses Under the Perspective of Postmodernism*. Jiangxi Institute of Fashion Technology

10. Rong Xinjiang (荣新江). (2007). "The Silk Road and the Tang Dynasty," *Journal of Chinese Historical Studies*.
11. Sun Ji (孙机). (2005)., *The History of Chinese Costume* (中国古代服饰研究), Zhonghua Book Company.